

تاریخ روابط ایران و عراق در دوران معاصر؛ از دشمنی تا اتحاد

محمد موسوی دهموردی^۱
حسام خاتمی^۲

مقدمه

کشور عراق همواره در سیاست خارجی ایران جایگاهی خاص داشته است. طی نیم قرن گذشته نگاه ایران و عراق به یکدیگر، نگاهی امنیتی بوده است، اما در وضعیت جدید با وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است. در واقع، «گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به دوستی و همکاری در بین دو کشور میل کرده است. عراق پس از صدام واجد عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک منطقه و رویکردهای بازیگران خاورمیانه‌ای شده است.»^۳ در واقع از زمان فروپاشی عثمانی و شکل‌گیری دولت عراق در غرب ایران، سیاست‌های متخذه از سوی دولتمردان آن کشور همواره به عنوان

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
۳. مجموعه مقالات عراق نوین و تحولات خاورمیانه، تهران، مؤسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۷، ص ۵.





منبع تهدید علیه امنیت ملی ایران به شمار آمده و این کشور به ندرت روابطی دوستانه با ایران داشته است. اختلافات ارضی و مرزی به همراه مسائل مذهبی همچون تبعیض علیه شیعیان در عراق و مسائل قومی و نژادی همانند مناقشه عرب و عجم، حضور اکراد در دو سوی مرزهای ایران و عراق، به همراه خوی توسعه‌طلبی حاکمان بغداد از جمله عوامل اصلی تنش یا منازعه میان دو کشور در نیم قرن اخیر محسوب می‌گردند. اما پس از سقوط صدام حسین و بعثی‌های عراق و افزایش نفوذ و قدرت شیعیان در ساختار سیاسی این کشور، نوعی اتحاد و ائتلاف میان ایران و عراق شکل گرفته و تهدیدات گروه تروریستی داعش و لزوم مقابله با آن نیز بر دوستی و ائتلاف و اتحاد دو کشور افزوده است. در این مقاله سعی خواهد شد تا با نگاهی به تاریخچه، مختصات و اهمیت کشور عراق، به تاریخ روابط ایران و عراق در دوران معاصر پرداخته شود.

بخش اول: نگاهی به تاریخچه و مختصات کشور عراق

عراق از کشورهای مهم و استراتژیک منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است:

این کشور بین ۲۹ درجه و ۶ دقیقه الی ۳۷ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۳۸ تا ۴۶ درجه طول خاوری از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده و دارای ۴۳۸,۴۴۶ کیلومتر مربع مساحت است. سرزمین عراق به طور عمده از سه بخش تشکیل شده است: منطقه کوهستانی در شمال و شمال شرقی، منطقه جلگه‌ای در شرق و جنوب شرقی و زمین‌های پست و هموار در جنوب.^۱

دو رود مهم دجله و فرات که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند پس از عبور مرزهای دو کشور وارد عراق می‌شوند و قسمت شرقی این کشور را سیراب می‌کنند. (رود فرات پس از عبور از سوریه وارد خاک عراق می‌گردد). جمعیت عراق در جولای سال ۲۰۰۴ معادل ۲۵/۳۷۴/۶۹۱ نفر برآورد شده که از این تعداد ۵۵ تا ۶۰ درصد را اعراب شیعه، ۲۵ درصد را اعراب سنی و ۱۵ الی ۲۰ درصد را اکراد تشکیل می‌دهند. تعداد مسیحیان در عراق نیز تا قبل از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ یک میلیون نفر و در حال حاضر حدود ۶۵۰ هزار نفر برآورد شده است.^۲

۱. سایت رایزنی بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در بغداد، ۱۳۹۴/۲/۱۱، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۴/۵/۲۲، قابل دسترسی در: <http://dmr.ir/194>
۲. همان.

از آن زمان تاکنون به علت جنگ و ناامنی در این کشور، سرشماری دقیقی از جمعیت این کشور انجام نگرفته است.

عراق در شمال خلیج فارس واقع شده، که از این نظر دارای موقعیت ممتازی است. به همین دلیل بسیاری از صاحب نظران، عراق را دومین کشور (بعد از ایران) در منطقه آسیای جنوب غربی می دانند که دارای امکانات مناسب جغرافیایی است و در بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مقام ویژه‌ای را داراست. به همین دلیل است که «عراق همواره از نظر تاریخی با درک ژئوپلیتیک خود، به دنبال کسب رهبری در بین کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بوده است.»^۱ عراق کشوری است که همانند سایر همسایگانش راه‌های فراوان به دریای آزاد ندارد. تنها راه عراق به دریای آزاد از طریق شط العرب و پهنای بسیار کوچکی از خلیج فارس امکان پذیر است. کشور عراق از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی بارزی برخوردار است که ترکیب و حاصل تأثیرگذاری آنها بر عملکرد دولتمردان و سیاست خارجی این کشور، اوضاع و شرایط منحصر به فردی را به وجود آورده است. این شرایط طی سه دهه اخیر موجب تحولاتی در سطح منطقه و کشور عراق گردیده که نهایتاً تغییرات ژئوپلیتیکی قابل توجهی را در این کشور رقم زده است:

در دوران جنگ سرد، عراق در قلمرو ژئواستراتژیک قدرت بری وقت، یعنی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، اما فروپاشی اتحاد شوروی و جنگ دوم خلیج فارس موجب حضور آمریکا در مناطق امن در شمال و جنوب عراق بر اساس قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد گردید.^۲ به دلیل شرایط استراتژیک خاص عراق، این کشور از اهمیت زیادی برای آمریکا برخوردار است:

تضمین امنیت جریان صدور نفت، تأثیرگذاری بر روند صلح اعراب و اسرائیل، مهار جمهوری اسلامی ایران و نقش آفرینی در شمال عراق و منطقه کردستان برای کنترل تحولات و تأثیرگذاری بر کشورهای که دارای مناطق کردنشین هستند فرصت‌هایی بوده‌اند که پس از جنگ دوم خلیج فارس با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی عراق برای آمریکا فراهم شده است.^۳

۱. عزت‌الله عزتی، *تحلیلی بر ژئوپلیتیک/ایران و عراق*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹.

۲. همشهری، «جهان از چشم مردم عراق»، ۱۳۸۱/۱۲/۹.

۳. همان.



در طول دهه‌های گذشته، نقش مسلط سنی‌ها در حاکمیت عراق و ترکیب آن با ایدئولوژی حزب بعث، نگرانی‌ها و هزینه‌های امنیتی فراوانی برای منافع ملی ایران به همراه داشته است. از این رو سقوط رژیم بعثی صدام در بهار ۲۰۰۳ فصل جدیدی در تاریخ عراق گشود و پس از چندین دهه زمینه ایجاد یک کشور دموکراتیک و با ثبات را مقدور ساخت

عراق از زمان شکل‌گیری آن در سال ۱۹۲۱ توسط قدرت استعماری بریتانیا، عمدتاً به دلیل نارسایی‌های ساختاری یا دخالت قدرت‌های خارجی دست‌خوش تحولات زیادی شده است. در پی جنگ جهانی‌گیر اول، بخش جنوبی امپراتوری عثمانی، شامل سه استان بغداد، موصل و بصره با پدر میانی سیاست‌گذاری خارجی - که بریتانیا در آن نقش بنیادی داشت - به صورت کشوری مستقل درآمد. این امر که با حضور قوای نظامی انگلیس در آن سرزمین همراه بود پس از تشکیل کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹) و کنفرانس سان‌ریمو (۱۹۲۰) به قدرت استعماری کشور مزبور فرصت داد تا در

سرزمین‌های دیگر خاورمیانه و از آن میان، فلسطین اعمال نفوذ کند. رژیم سرکار آمده (ملک فیصل) که مورد قبول مردم عراق نبود، نخستین حرکت خود را در سال ۱۹۲۱ میلادی با تبعید علمای شیعه به ایران و درگیری‌های مرزی و سیاسی با دولت ایران آغاز کرد و با تصویب قانون تابعیت از سال ۱۹۲۴ میلادی، به مشکلات مجاوران و زائران ایرانی عتبات عالیات دامن زد. این امر تا کودتای نظامیان عراق علیه سلطنت و تغییر رژیم ادامه داشت و از آن تاریخ به بعد مشکلات عراق شکل دیگری پیدا کرد.

از یک نگاه کلی و از زاویه منافع ملی ایران آن زمان، عراق یک کشور چند قومی، از لحاظ جغرافیایی ساختگی و محصول سیاست خارجی دولت انگلیس است که برای حفظ تعادل قدرت در منطقه و عمدتاً کنترل قدرت ایران پدید آمد.^۱

در طول دهه‌های گذشته، نقش مسلط سنی‌ها در حاکمیت عراق و ترکیب آن با ایدئولوژی حزب بعث، نگرانی‌ها و هزینه‌های امنیتی فراوانی برای منافع ملی ایران به همراه داشته است. از این رو سقوط رژیم بعثی صدام در بهار ۲۰۰۳ فصل جدیدی در تاریخ عراق گشود و پس از چندین دهه زمینه ایجاد یک کشور دموکراتیک و با ثبات را مقدور ساخت. اما این کشور به عنوان کشوری چند قومی - مذهبی از آن زمان تاکنون

۱. روح‌الله پورطالب، «روابط سیاسی ایران و عراق بعد از انقلاب اسلامی»، سایت مرکز مطالعات خلیج فارس، www.persiangulfstudies.com، قابلیت دسترسی در: ۱۳۹۴/۶/۲۲

برای دستیابی به هدف حفظ وحدت و برقراری آرامش با چالش‌های زیادی مواجه است. اگر مروری به تاریخ پرفراز و نشیب عراق بیاندازیم، درمی‌یابیم که عراق کشوری بسیار پرتنش و سرزمین منازعات خون‌بار بوده است. با فروپاشی امپراتوری عثمانی اتفاقات زیادی در عراق رخ داد:

شورش مردم عراق علیه انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۰، کشتار آسوری‌ها در سال ۱۹۳۳ و سرکوب کردها در سال ۱۹۳۶ توسط ژنرال بکر صدقی، کودتای نظامی بکر صدقی در سال ۱۹۳۷، کودتای رشید علی در سال ۱۹۴۱، کودتای قاسم در سال ۱۹۵۸، کودتا علیه قاسم توسط حزب بعث در سال ۱۹۶۳، برکناری حزب بعث از قدرت توسط عبدالسلام عارف در سال ۱۹۶۳، کشته شدن عارف در تصادف هوایی و جانشینی برادرش عبدالرحمان عارف در سال ۱۹۶۶، کودتای دوم بعثی‌ها توسط احمد حسن البکر در سال ۱۹۶۸، حمله به ایران و جنگ هشت‌ساله از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، حمله به کویت در سال ۱۹۹۰، حمله امریکا و متحدانش علیه عراق برای آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱، شورش کردها در شمال و انتفاضه شیعیان در جنوب در سال ۱۹۹۱، جنگ داخلی بین دو حزب اصلی کرد یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحاد میهنی کردستان در سال ۱۹۹۴، جنگ دوم امریکا علیه عراق و اشغال این کشور و اتفاقات بعد از آن نظیر قدرت گرفتن داعش و افتادن بخش‌هایی از این کشور به دست تکفیری‌های داعش و... تنها در حدود ۹۰ سال رخ داده است.^۱

در واقع عراق اولین کشور خاورمیانه است که در آن کودتای نظامی اتفاق افتاد و در ۳۰ سال حکومت بعثی‌ها، ۱۲ سال را در تحریم بود. جدا از مشکلات نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و مادی این کشور، کشته شدن صدها هزار انسان که سرمایه اصلی این کشور بودند، درگیری و به آشوب کشیدن منطقه خلیج فارس و ایجاد التهاب بین‌المللی تنها بخش کوچکی از تاریخ پرفراز و نشیب این کشور را تشکیل می‌دهد. این رویدادها، ترجمان روشن این نکته است که عراق کشوری است که هنوز نه تنها فرآیند ملت‌سازی بلکه دولت‌سازی را نیز به درستی طی نکرده است. «مردم عراق هیچ‌گاه از این شناس

۱. داود غرایبان زندی، «فرآیند ملت‌سازی، شکل‌گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده»، *مطالعات راهبردی*، س ۱۳، ش ۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۰-۶.





شاید بتوان بزرگ‌ترین منبع تهدید جمهوری اسلامی ایران در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی را عراق و رژیم بعث این کشور دانست. ایران و عراق، در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ندرت دارای روابط حسنه بودند

بر خوردار نبوده‌اند که در مورد شرایط خود در یک فضای نسبتاً مناسب تأمل نمایند.^۱ بنابراین عراق جدید با این پیشینه تاریخی و این گذشته پر فراز و نشیب، در حال حاضر نیز وضعیت مطلوبی ندارد و درگیر جنگ داخلی بین دولت حاکم و گروهک تروریستی داعش است. علاوه بر این قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نیز در این کشور درگیر بوده و در راستای منافع ملی و ایدئولوژیک خود عمل می‌نمایند. از این رو شناخت تحولات عراق و تبیین رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت منطقه‌ای درگیر در این کشور به شناخت و تلاش برای کسب منافع ملی و آرمانی کشورمان در این منطقه جغرافیایی و این کشور پر آشوب و همسایه کمک بسیاری می‌نماید.

بخش دوم: تاریخچه روابط ایران و عراق

نقطه آغاز روابط فی ما بین دو کشور به فروردین ۱۳۰۸ و اعزام هیئت حسن نیت از سوی پادشاه عراق به ایران و تقاضای این هیئت جهت برقراری روابط سیاسی با ایران باز می‌گردد. با این حال دولت عراق که در این زمان تحت حمایت انگلستان قرار داشت، نخست از اواسط سال ۱۳۱۰ با ارسال چندین یادداشت اعتراض به دولت ایران، مأموران گمرک و نیروی دریایی ایران را متهم به نادیده گرفتن مقررات سازمان بندر بصره و تجاوز به حق حاکمیت عراق در آبهای اروندرود نموده و سپس در سال ۱۳۱۳ به منظور جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران بر اروندرود به جامعه ملل شکایت برد. پس از آنکه جامعه ملل طرفین را به مذاکره مستقیم دعوت نمود، سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ طی قراردادی که میان دو کشور منعقد گردید، حق کشتی‌رانی در سراسر اروندرود به استثنای پنج کیلومتری از آبهای آبادان تا خط تالوگ^۲ به دولت عراق واگذار گردید. بدین ترتیب قرارداد مذکور که در چهار چوب اهداف استراتژیک بریتانیا بر ایران تحمیل شده بود، مالکیت عراق بر تمام اروندرود را به غیر از پنج

۱. همان، ص ۶.

۲. عمیق‌ترین بخش رودخانه را در حقوق بین‌الملل خط تالوگ می‌نامند و در دوران معاصر بین کشورهای ایران و عراق مشترک آن‌ها رودخانه است خط مرزی، خط تالوگ می‌باشد.



کیلومتری از آبهای آبادان گسترش می‌داد.^۱

اما به رغم وجود این روابط تنش‌آمیز در آن زمان، روابط دو کشور همیشه در سطحی نامطلوب قرار نداشته و در تاریخ روابط ایران و عراق نقاط قابل‌اتکایی نیز یافت می‌شود. از زمان قیمومیت انگلیس بر عراق (۱۹۲۰) و سپس استقلال آن کشور در سال ۱۹۳۲ و تا پایان عمر حکومت پادشاهی در سال ۱۹۵۸، به دلیل نفوذ انگلستان در منطقه و وجود حکومت پادشاهی در هر دو کشور روابط دو دولت چه در قالب پیمان سعدآباد و چه پیمان بغداد که به منظور مقابله با تهدید کمونیسم شکل گرفته بودند دوستانه بوده است.

پیمان که نخست در پنجم اسفند ۱۳۳۳ میان وزیران امور خارجه دو کشور عراق و ترکیه تحت عنوان «پیمان همکاری‌های متقابل» در بغداد به امضا رسیده بود، با پیوستن انگلستان در دهم فروردین، پاکستان در اول مهر و ایران در ۱۹ مهر ۱۳۳۴ حلقه‌ای از حامیان بلوک غرب را در منطقه گرد هم آورد. اما کودتای عبدالکریم قاسم با عقاید افراطی و چپ‌گرایانه، از یک سو موجب خشنودی مسکو و قاهره و از سوی دیگر باعث خروج عراق از حلقه بلوک غرب گردید. کودتای قاسم در ۱۳۳۷ که در درجه نخست به خروج عراق از پیمان و انتقال مرکزیت آن از بغداد به آنکارا انجامیده بود، ترس شدید شاه ایران را نیز در پی داشت. روابط نامطلوب دو کشور با این کودتا و قوت یافتن پان عربیسم و گرایش‌های افراطی عربی در نظام سیاسی عراق آغاز شد.^۲

در این دوره اختلافات مرزی دو کشور افزایش یافت و علاوه بر ادعای حاکمیت عراق بر خوزستان، تشکیل جبهه آزادی‌بخش خوزستان و مسئله کردها، اختلاف ایدئولوژیک را نیز بر روابط دو کشور حاکم کرد. سرانجام در آذر ۱۳۳۸ یک بار دیگر اروندرود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق مبدل گشت. عبدالکریم قاسم در کنفرانسی مطبوعاتی ادعا کرد که:

عراق در سال ۱۳۱۶ تحت فشار جدی قرار داشته و ناچار شده است که حاشیه‌ای به عرض پنج کیلومتر از اروندرود را به ایران واگذار نماید و این عمل عراق یک نوع بخشش بوده است، نه استرداد یک حق مکتسبه.^۳

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران، پیکان، ۱۳۸۰، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۲۵۹.

۳. همان.



این ادعا در حالی صورت می‌گرفت که عهدنامه ۱۳۱۶ در سایه حمایت‌ها و طرفداری همه‌جانبه انگلیس از عراق منعقد شده بود. زیرا در آن هنگام انگلیسی‌ها که طبق تقسیمات استعماری پس از جنگ اول جهانی و فروپاشی عثمانی بر عراق سلطه مطلق داشتند، دستیابی به آب‌های بین‌المللی منطقه و منابع نفتی عراق را حائز اهمیت می‌دانستند و از این رو پیمان ۱۳۱۶ را بر ایران تحمیل نمودند. این اختلافات نهایتاً با امضای معاهده دیگری در الجزایر به پایان رسید. پس از امضای عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر روابط ایران و عراق به طرز چشمگیری بهبود یافت و دو کشور تلاش زیادی برای تحکیم مناسبات خود نمودند.

هویدا نخست‌وزیر ایران در فروردین ۱۳۵۴ بازدید رسمی از عراق به عمل آورد و سال ۱۳۵۴ را «سال بروز تحولات مثبت در روابط دو کشور» خواند و آن را «نقطه عطفی» در تاریخ روابط دو کشور دانست.^۱ با آغاز سال ۱۳۵۷ که با تشدید ناآرامی‌های مردمی در ایران همراه بود، طبق توافق آذرماه ۱۳۵۶ در تهران، پس از یک سال تأخیر، مذاکرات کمیسیون مختلط ایران و عراق با شرکت هیئت‌های وزارت امور خارجه دو کشور از ۱۴ تا ۳۱ مه ۱۹۷۸ (۲۴ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ۱۳۵۷) تشکیل شد. در این جلسات هیئت ایرانی اعلام کرد:

ایران آمادگی دارد کار تحویل و تحول آن قسمت از اراضی و مستحقات خصوصی و عمومی که بر اثر علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی تعلق ملی آنها تغییر یافته است را به انجام برساند. اما هیئت عراقی اعلام کرد که قبل از تحویل و تحول باید محل برخی از علایم (۲۱ میله مرزی) تغییر کند، موضوعی که از قبل بر سر آن توافق شده و حتی اسناد تصویب آنها مبادله شده بود. به دنبال مخالفت هیئت ایرانی با این درخواست، هیئت عراقی کار را نیمه‌تمام رها کرده و در ۱۱ خردادماه تهران را ترک کرد. از این پس کارشکنی دولت عراق در مورد عهدنامه الجزایر صورت رسمی به خود گرفته و آن را به طرز شیطنت‌آمیزی مورد اهمال و بی‌توجهی قرار می‌داد.^۲

عراقی‌ها که به عهدنامه الجزایر تنها به عنوان فرصت تجدید قوا و خروج از مخمصه می‌نگریستند، بی‌صبرانه منتظر نتیجه شورش‌ها و تحولات داخلی ایران بودند. تا اینکه

۱. بهمن شعبی، «روابط ایران و عراق در گذر تاریخ»، سایت مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۹۴/۶/۲۲، قابل دسترسی در سایت: www.persiangulfstudies.com
۲. همان.

عراق اولین کشور خاورمیانه است که در آن کودتای نظامی اتفاق افتاد و در ۳۰ سال حکومت بعثی‌ها، ۱۲ سال را در تحریم بود. جدا از مشکلات نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و مادی این کشور، کشته شدن صدها هزار انسان که سرمایه اصلی این کشور بودند، درگیری و به آشوب کشیدن منطقه خلیج فارس و ایجاد التهاب بین‌المللی تنها بخش کوچکی از تاریخ پر فراز و نشیب این کشور را تشکیل می‌دهد. این رویدادها، ترجمان روشن این نکته است که عراق کشوری است که هنوز نه تنها فرآیند ملت‌سازی بلکه دولت‌سازی را نیز به درستی طی نکرده است

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نظام سیاسی در ایران سرنگون شد و اختلافات دو کشور به نظام سیاسی جدید ایران به ارث رسید. پیروزی انقلاب اسلامی که موجب تغییر ساختار قدرت در خاورمیانه و نظام ائتلافی غرب در منطقه شده بود، علاوه بر اینکه ایران را از صف حامیان ایالات متحده آمریکا و بلوک غرب خارج کرد، رهبران عراق را نیز به حمله نظامی به ایران ترغیب نمود. صدام که چشم به رهبری جهان عرب و پر نمودن خلأ قدرت در منطقه دوخته بود، از فرصت به دست آمده نهایت استفاده را برد و در صدد جبران امتیازات از دست داده در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر برآمد. اگر چه به ظاهر موضوع اختلافات مرزی به عنوان دلیل اصلی تجاوز عراق به خاک ایران

محسوب می‌گردد اما در واقع تجاوز عراق نتیجه نارضایتی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی از انقلاب اسلامی ایران و نگرانی از گسترش آن به منطقه و حمایت از منافع دولت‌های محافظه‌کار عربی نیز بود.^۱

شاید بتوان بزرگ‌ترین منبع تهدید جمهوری اسلامی ایران در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی را عراق و رژیم بعث این کشور دانست. ایران و عراق، در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ندرت دارای روابط حسنه بودند. حمایت محمدرضا شاه از مبارزه کردهای عراقی به رهبری ملا مصطفی بارزانی موجب تداوم شورش آنها در عراق گشت. همچنین دو کشور بارها به علت اختلافات مرزی به آستانه جنگ با یکدیگر نزدیک گشتند. در سال ۱۹۷۵، شاه ایران موافقت نمود که در مقابل شناسایی مرزهای دو کشور در ارون‌درود، دست از حمایت کردهای عراق بردارد. مناسبات دو کشور از این زمان به بعد به شکل عادی درآمد، هر چند هرگز دوستانه نشد. بنابراین، از سپتامبر ۱۹۸۰ به بعد، عمده‌ترین نگرانی امنیتی ایران، مسئله جنگ تحمیلی بود.

عراق انتظار داشت که در جنگ به طور برق‌آسا پیروز شده و با سرنگونی

۱. عزت‌الله عزتی، همان، ص ۱۲۳.



حکومت اسلامی بتواند معاهده‌ای با ایران مبنی بر به رسمیت شناختن حق حاکمیت این کشور بر اروندرود را به امضای طرفین برساند.^۱

با این حال پس از استقامت و ایستادگی مردم ایران در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹، «صدام حسین رئیس‌جمهور عراق با ارسال نامه‌ای خطاب به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران تمام شرایط ایران را برای برقراری صلح میان دو کشور پذیرفت.»^۲ بدین ترتیب صدام حسین برای صلح با جمهوری اسلامی ایران به پذیرش معاهده‌ای تن داد که زمانی بالغو آن جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده بود. جسیدگی جغرافیایی ایران و عراق و تبارشناسی روابط امنیتی گذشته، تأثیر فراوان عراق بر امنیت ملی ایران را تعیین می‌کند.

عراق تنها کشور همسایه‌ای است که در ۱۵۰ سال اخیر به ایران حمله کرده است و گروه‌های معاند حکومت‌های ایران همواره در این کشور به فعالیت مشغول بوده‌اند. از این رو تحولات ناشی از سقوط رژیم صدام حسین و خروج شیعیان از تنگنای ژئوپلیتیک به صورت بارزی نقش ژئوپلیتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است. اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ایران و عراق سبب شد تا سقوط صدام حسین نه تنها تهدید این کشور برای ایران را از بین ببرد، بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر گردد.^۳

اکثریت مجلس نمایندگان، پست نخست‌وزیری و بسیاری از پست‌های دولتی برخلاف دوران گذشته اکنون در اختیار شیعیان قرار دارد. با توجه به وجود اماکن مقدس شیعیان در عراق و همچنین وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در مناطق جنوبی عراق که اکثراً شیعه‌نشین هستند، تأثیر شیعیان به عنوان یک عامل مهم ژئوپلیتیک در سطح منطقه و نظام بین‌الملل مضاعف می‌گردد. در مجموع فروپاشی رژیم صدام حسین نقطه عطفی در روند سیاسی شدن شیعیان و برخورداری آنها از هویت دوگانه سیاسی و مذهبی در جامعه عراق محسوب می‌گردد. در مورد شیعیان، قدرت‌یابی آنان در عراق جدید علاوه بر آنکه چشم‌اندازهای جدیدی را برای احقاق حقوق بیشتر شیعیان در سایر کشورهای عربی ایجاد کرده، برای ایران نیز فرصت‌ساز بوده است. دستیابی شیعیان به قدرت در

۱. همان.

۲. روح‌الله رضانی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نی، ۱۳۸۳، ص ۸۶.

۳. علیرضا ازغندی و مهدی آقاعلیخانی، «بررسی عوامل منطقه‌ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰-۱۳۸۴)»، سیاست، دوره ۴۳، ش ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۸.

اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ایران و عراق سبب شد تا سقوط صدام حسین نه تنها تهدید این کشور برای ایران را از بین ببرد، بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر گردد

عراق ظرفیت‌های جدیدی برای تغییر ساختار قدرت و شکل‌گیری فرآیندهای جدید امنیتی در سطح منطقه ایجاد نموده و الگوهای جدیدی برای تعامل دو کشور ایران و عراق و روابط طرفین با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به وجود آورده است. حضور فعال شیعیان در عرصه سیاسی عراق جدید موجب تقویت مواضع ایران در منطقه خاورمیانه گردیده است؛ «علاوه بر این به دلیل تیرگی روابط جمهوری اسلامی

ایران با آمریکا و حضور آمریکا در عراق بدون تردید وزنه ایران در مقابل آمریکا سنگین‌تر خواهد شد.»^۱ همچنین قدرت‌یابی اقلیت اکراد در عراق جدید که سال‌ها کشمکش و منازعه را با دولت بغداد پشت‌سر گذارده است و از روابط نزدیک با ایران برخوردارند، بر روند همگرایی و همکاری بین ایران و عراق تأثیر مثبت دارد. گرچه طی یک قرن گذشته عواملی نظیر اوضاع نامطلوب اجتماعی و اقتصادی و فقدان مشارکت سیاسی کافی اکراد، موجب واگرایی این قوم از دولت‌های مرکزی در دو کشور ایران و عراق شده است، اما وجود اشتراکات زبانی و فرهنگی و مجاورت جغرافیایی در صورت مدیریت صحیح می‌تواند زمینه‌ساز فرصت‌های مناسب جهت همکاری و همگرایی بیشتر دولت‌های ایران و عراق باشد؛ در حال حاضر به نظر می‌رسد با وجود حضور اکراد در صحنه سیاسی عراق و مشارکت آنان در قدرت و توجه جمهوری اسلامی ایران به توسعه و آبادانی مناطق مرزی، بستر همگرایی دو کشور بیش از پیش فراهم شده است. حضور ایران در بازارهای اقتصادی عراق، تشکیل بازارچه‌های مرزی، تأسیس مناطق آزاد تجاری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در ایران و اعطای خودمختاری به کردها در عراق می‌تواند فرصت‌هایی برای همکاری بیشتر طرفین فراهم آورد. عراق جدید واجد تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران خاورمیانه‌ای شده است. حضور شیعیان و اکراد در ساخت قدرت بغداد، حذف رژیم کینه‌توز بعثی، تغییر رویکرد «عربی-سنی» به «عربی-شیعی-کردی» در فضای سیاسی عراق، فرصت‌های به وجود آمده در عراق جدید در جهت منافع ملی ایران است. از نظر جغرافیایی نیز دو کشور ایران و عراق دارای ۱۶۰۹ کیلومتر مرز مشترک



هستند که البته از نظر جغرافیای سیاسی یکی از بدترین حالات خطوط مرزی است.^۱ به همین دلیل «همواره دو کشور بر سر مسائل مرزی با یکدیگر مشکل داشته‌اند. عراق در همسایگی غربی ایران بیشترین مرز مشترک جغرافیایی و تقریباً بالاترین اشتراکات فرهنگی را بین کشورهای همسایه با ما دارد.»^۲

به لحاظ ایدئولوژیک حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که با ایران پیوند عمیق ایدئولوژیک دارند. ایران و عراق هر دو دارای ذخایر عظیم نفت و گاز و از اعضای اوپک هستند و هر گونه همکاری و همگرایی در خصوص نفت بین این دو کشور می‌تواند تأثیرات زیادی بر صنعت و قیمت بین‌المللی نفت بر جای گذارد.^۳

از سوی دیگر روابط دو کشور ایران و عراق هیچ‌گاه با ثبات و پایدار نبوده است. با توجه به وجود غیر طبیعی عراق که بر اثر مناسبات منطبق بر منافع قدرت‌های بین‌المللی به ویژه انگلستان و بدون توجه به واقعیات فرهنگی، جغرافیایی و انسانی ایجاد گردیده است، شرایطی به وجود آمده که تحت تأثیر قدرت‌های خارجی روابط بسیار پرافت و خیزی با ایران شکل گرفته است. تنگنای ژئوپلیتیکی عراق، عامل انسانی و موقعیت جغرافیایی در حایل شدن بین ایران و جهان عرب همواره بسترهایی بوده‌اند که قدرت‌های بزرگ از آن در ایجاد تنش در روابط دو کشور بهره‌برداری نموده‌اند. اما با سقوط صدام و روی کار آمدن حکومت جدیدی که شیعیان در آن قدرت برتر را دارا هستند این وضعیت بر هم زده شده و شرایط مطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آمده است.

بنابراین منطق اهمیت عراق جدید در حوزه سیاست خارجی، شکل‌گیری یک سری متغیرهای جدید همچون تقویت عنصر شیعی در ساخت قدرت و حکومت عراق، روند حرکت عراق از یک دشمن استراتژیک به یک همکار منطقه‌ای و به تبع، تعادل در سیاست ایران با منطقه و جهان عرب، و همچنین جایگاه عراق در روابط بین‌الملل ایران و تنظیم سیاست خارجی با قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا و مؤثر بر امنیت و منافع ملی ایران می‌باشد. در واقع حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ م و سرنوشتی رژیم بعثی عراق به عنوان عامل ناامنی و بی‌ثباتی منطقه، تقویت عنصر شیعی در ساخت سیاسی

۱. عزت‌الله عزتی، همان، ص ۸.

۲. محمد بهمنی، «شیعیان عراق؛ از انزوا تا حاکمیت»، مجموعه مقالات عراق نوین و تحولات خاورمیانه، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۷، ص ۱۹۳.

۳. علیرضا ازغندی و مهدی آقاعلیخانی، همان، ص ۱۱۹.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران دارای نفوذ بسیاری در عراق بوده و سیستم سیاسی این کشور نزدیکی بسیاری به نظام سیاسی ایران دارد. اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و دینی و تهدیدات امنیتی مشترک از مهم ترین دلایل این امر بوده و توانسته است این دو کشور را به یکدیگر متصل و مرتبط کند

بغداد و کاهش تنش‌های موجود بین ایران و عراق، حضور بیگانگان، بالأخص دشمن استراتژیک ایران یعنی امریکا در جغرافیای فعلی عراق، رقابت ایران و سایر کشورهای منطقه در این کشور و تغییرات ژئوپولیتیک ملموس در فضای جدید منطقه، افزایش حساسیت مسائل قومی در منطقه از جمله کردها، فرصت‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی فراروی ایران در عراق نوین، و بسیاری از این دست، مسائلی است که توأمان و با هم سیاست خارجی ایران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. عراق جدید میراث‌دار تحولات ژرف تاریخی از حاکمان گذشته خویش می‌باشد؛ و در شرایط جدید «آبستن یک سری مسائلی سیاسی-امنیتی برای ایران است.»^۱

در مجموع، «در هم تنیدگی مسائل عراق با ایران بیش از هر کشور دیگری بوده است. به همین دلیل هر گونه تحولات در این کشور بیشترین تأثیرات را بر ایران خواهد داشت. عراق در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ با تولید ۵۲ درصد کل تولید نفت کشورهای نفت خیز بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان بوده است.»^۲ علاوه بر این عراق دومین کشور دارنده ذخایر نفت در جهان است که این خود به عنوان یک عامل مهم ژئواکونومیک از گذشته تأثیرگذار بوده است. همچنین دو کشور ایران و عراق از اعضای فعال کشورهای صادرکننده نفت اوپک می‌باشند. بنابراین به جز تأثیر بر تحولات بازار نفت، تحولات هر یک از دو کشور ایران و عراق علاوه بر مسیرهای دیگر از طریق نفت نیز بر کشور مقابل تأثیر دارد.

هر چند عراق جدید همانند گذشته یک تهدید نظامی نیست اما همچنان زمینه‌های بالقوه هدایت تنش و ناامنی به حوزه امنیت ملی ایران را دارا می‌باشد. مسائل امنیتی در شرایط جدید تغییری جدی کرده است. چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیان‌بار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً احتمال تجزیه این کشور از جمله

۱. همان، ص ۱۱۹-۱۱۶.

۲. ف. مار، تاریخ عراق نوین، ترجمه علی عباسپور، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۴.





چالش‌های جدیدی می‌باشند که از زاویه داخلی عراق وارد حوزه امنیت ملی ایران می‌شود. بنابراین کشور عراق در میان همسایگان ایران دارای موقعیت ویژه‌ای است. ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و مذهبی عراق به گونه‌ای است که ماهیت قدرت و سیاست در این کشور و به تبع، نوع روابط آن با همسایگانش را پیچیده کرده است.^۱ بنابراین حضور شیعیان در رأس هرم سیاسی عراق، عنصر کردی، مسائل مرزی، منافع بازیگران منطقه‌ای و... از جمله دغدغه‌هایی است که رویکردهای استراتژیک ایران در عراق را توجیه و تبیین می‌نماید.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

منطقه غرب آسیا و خلیج فارس همواره یکی از مناطق پرتنش و چالش‌زای جهان بوده است. حضور جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و هم‌جواری با مناطق چالش‌برانگیز و ناامنی نظیر عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و... به طور حتم بر امنیت و منافع ملی و منطقه‌ای ایران تأثیرگذار است. در این بین عراق یکی از مهم‌ترین همسایه‌های ایران بوده و تاریخچه روابط این دو کشور مملو از فراز و نشیب‌های فراوان است. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران دارای نفوذ بسیاری در عراق بوده و سیستم سیاسی این کشور نزدیکی بسیاری به نظام سیاسی ایران دارد. اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و دینی و تهدیدات امنیتی مشترک از مهم‌ترین دلایل این امر بوده و توانسته است این دو کشور را به یکدیگر متصل و مرتبط کند. اما همواره این گونه نبوده و تاریخ این دو کشور پر از تخاصمات و تنش‌های فی‌مابین بوده است. مهم‌ترین نمود این مسئله نیز جنگ هشت ساله عراق علیه ایران در دوران صدام حسین بوده است. اما پس از سقوط صدام به دست امریکا، روز به روز بر نفوذ ایران در این کشور افزوده شده است و در حال حاضر می‌توان اذعان کرد که عراق از حوزه‌های نفوذ ایران در سطح منطقه خلیج فارس و غرب آسیاست.

دگرگونی‌ها و تحولات عراق همیشه به نوعی با منافع حیاتی ایران پیوند استراتژیک داشته و می‌طلبد که تحولات این کشور به طور مستمر دیده‌بانی شود.

۱. کیهان برزگر، سیاست خارجی/ایران در عراق جدید، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، ص ۶۳.